روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی‌ها: ۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹
نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵، امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ: ■ افست: کیلومتر ۴ جاده آبعلی، روبه‌روی خیابان سازمان آب، تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳
■ طوطی: خیابان مصطفی خمینی، بعد از چهارراه سرچشمه، پلاک ۶۹۰، تلفن: ۳۳۹۲۱۴۴۱
■ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹، تلفن: ۷-۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۸۳۶ ■ پنج شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۸۵ ■ ۲۲ رجب ۱۴۲۷ ■ ۱۷ آگوست ۲۰۰۶

آبادان	+۳۱+۴۶	بیرجند	+۱۶+۳۰	سنندج	+۱۵+۲۹	همدان	+۲۰+۳۳
اراک	+۱۷+۳۲	تهران	+۲۲+۳۱	شهرکرد	+۲۳+۳۱	یاسوج	+۲۰+۳۴
اردبیل	+۱۵+۲۸	تبریز	+۲۰+۳۸	شیراز	+۱۷+۳۰	یزد	+۳۱+۴۲
ارومیه	+۱۹+۳۳	خرم‌آباد	+۲۵+۳۰	قزوین	+۱۵+۳۳	دبی	+۳۵+۴۵
اصفهان	+۱۶+۳۱	رشت	+۲۰+۳۱	کرمان	+۲۰+۳۲	نجف	+۳۰+۴۳
اهواز	+۳۰+۴۸	زاهدان	+۱۶+۲۹	کرمانشاه	+۱۸+۳۵	مکه	+۳۱+۴۵
ایلام	+۲۵+۳۷	زنجان	+۲۴+۳۷	کاشان	+۳۲+۳۷	مدینه	+۱۵+۲۰
بجنورد	+۱۶+۳۳	زابل	+۲۲+۳۵	کیش	+۲۱+۴۰	لندن	+۱۱+۲۰
بندرعباس	+۳۰+۳۸	ساری	+۱۸+۳۲	گرگان	+۱۷+۲۷	پاریس	+۲۵+۳۰
بوشهر	+۳۰+۳۶	سمنان	+۱۹+۳۳	مشهد	+۱۶+۳۳	استانبول	+۳۱+۴۲

تهران: اذان ظهر ۰۹: ۱۲ اذان مغرب ۱۲: ۱۹ اذان صبح فردا ۵۲: ۳ طلوع آفتاب ۲۴: ۵

ادامه از صفحه اول

در این حال سیدحمیدرضا طباطبایی دادستان عمومی و انقلاب اصفهان با اعلام این خبر که تجسس خانه‌ها به بهانه کشف ماهواره ممنوع است، گفت: در شرایط فعلی طبق مواد ۳ و ۹ قانون، استفاده از تجهیزات ماهواره ممنوع است و برای استفاده‌کنندگان مجازات‌هایی چون جزای نقدی از یک تا سه میلیون ریال در نظر گرفته شده است، اما با این وجود، هیچ‌کس حق شکستن حرمت خانه‌های مردم را ندارد. وی افزود: نیروی انتظامی در جهت جمع‌آوری ماهواره‌هایی می‌تواند اقدام کند که از داخل کوچه و خیابان پیدا باشد و یا شاکی خصوصی داشته باشد. درغیر این صورت تنها با وجود یک حدس یا گمان مجوزی برای ورود به منازل مردم صادر نمی‌شود. وی ادامه داد: اخیراً یک طرح سراسری در رابطه با جمع‌آوری ماهواره به تصویب رسید که در این طرح نیروی انتظامی می‌تواند پس از شناسایی محل که از داخل کوچه یا خیابان پیدا باشد و یا شاکی خصوصی داشته باشد اخطار کتبی را به در خانه‌ها ارسال نماید که طی آن اخطار، صاحبخانه نسبت به جمع‌آوری ماهواره و تحویل آن به کلانتری محل اقدام کند و اگر این اقدام توسط صاحبخانه صورت نگرفت، نیروی انتظامی با در دست داشتن مجوزی که از سوی مقام قضایی صادر می‌شود می‌تواند به جمع‌آوری ماهواره از منزل موردنظر اقدام کند. در غیراین صورت هیچ‌کس حق وارد شدن به حریم منزلی را ندارد. دادستان اصفهان در پایان گفت: در رابطه با اجرای این طرح سراسری موضوع بسیار مهمی که وجود دارد حفظ حرمت منازل مردم است که از جمع‌آوری ماهواره‌ها بیشتر اهمیت دارد و ما در راستای حفظ این حرمت از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنیم و به هیچ‌کس نیز اجازه نمی‌دهیم که این حرمت را تنها با یک حدس و گمان بشکنند.

■ پلیس در پشت بام

خبرگزاری ایسنا نیز دیروز گزارش داد در حالی که جمع‌آوری تجهیزات ماهواره تا پیش از این بر عهده عوامل اطلاعات پلیس بود، از پنجشنبه هفته گذشته ماموران یگان ویژه در این رابطه وارد عمل شده و پس از اخذ حکم کلی قضایی برای ورود به مشاعات منازل با شدت بیشتری اقدام به جمع‌آوری دیش‌های ماهواره می‌کنند و به این ترتیب تاکنون عملیات‌هایی در شهرک غرب، ونک، مجتمع بهجت‌آباد خیابان زرتشت، الهیه و تجریش به اجرا درآمده است. بنابراین گزارش ماموران عملیاتی یگان امداد یگان ویژه از ساعت ۱۰ صبح دیروز با ورود به مجتمع ۱۵ واحدی «چهارباغ» واقع در خیابان حسن اکبری در منطقه الهیه، ۲۱ دستگاه بشقاب ماهواره را از پشت‌بام جمع‌آوری کردند. در حالی که ماموران پلیس مدیر مجتمع را در جریان علت حضورشان قرار داده بودند، ساکنان ساختمان که بیشتر آنها در منزل نبودند، از ورود ماموران اطلاعی نداشتند. این در حالی بود که محمدتقی خرم مدیر ساختمان در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا مدعی شد: هیچ اطلاعی از جمع‌آوری ماهواره‌ها نداشته و تاکنون هیچ ابلاغیه‌ای به دست او نرسیده است.

■ مجلس ششم هم به دنبال سامان‌دهی ماهواره بود

اما در مجلس گذشته هم برای سامان‌دهی استفاده از ماهواره در کشور طرحی به تصویب رسید ولی در شورای نگهبان تایید نشد. «احمد پورنجاتی» که در مجلس ششم ریاست کمیسیون فرهنگی را برعهده داشت، گفت: «طبق طرحی که در مجلس ششم به تصویب رسید ما از وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات می‌خواستیم که امکان استفاده از شبکه‌هایی را که کمیسیونی کارشناسی متشکل از چند دستگاه و نهاد مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما و... تشخیص می‌دهند برای منافع ملی و مخاطب می‌توانند قابل دسترسی باشند را فراهم کند. او گفت: «این طرح با وجود تهیه گزارشی چندصد صفحه‌ای و بررسی کمیته‌ای کارشناسی با حضور افرادی همچون حدادعادل، نمایندگان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صدا و سیما با عنوان عملی نبودن از سوی شورای نگهبان که مسئول تشخیص عدم مغایرت با اسلام و قانون اساسی است رد شد. او با اشاره به اینکه طرح مجلس ششم با توجه به تجربه کشورهایی همچون مالزی، هند و پاکستان تهیه شده بود، گفت: «به نظر می‌رسد طرحی که دوستان در مجلس هفتم مورد توجه قرار داده‌اند و به دنبال تصویب آن هستند ایجاد یک شبکه جدید تلویزیونی در کنار شبکه‌های دیگر تلویزیونی است با این تفاوت که برنامه‌های این شبکه تولید داخل نیست. به گفته پورنجاتی طرح مجلس ششم در صورت توجه مجدد می‌تواند باعث به وجود آمدن فضای رقابتی هم در فضای رسانه‌ای کشور شود.

ادامه سرمقاله

اما باید تاکید کرد که اگر در جامعه ما بدی و پلشتی هست و گاه بی‌بندوباری تقصیر مستقیمش بر گردن بشقاب حلبی ماهواره‌ها نیست. آدمیزاد باید تربیت شود، تربیت که شد خودش راه و چاه را می‌داند، باید اجازه داد تا جایی برای تقوا ورزیدن و پرهیزکاری بماند. آدمیزاد وقتی آزاد است رستگار می‌شود. وقتی بین بد و خوب اختیار دارد خوب را می‌گزیند و اگر به راه بدی رفت، دلش برای شاهراه خوبی تنگ می‌شود و برمی‌گردد. یک کار دیگر هم می‌شود کرد و آن اعتماد به همین‌ها که ماهواره دارند، اعتماد به اینکه اگر چشمشان به منظره نامناسبی افتاد می‌بندند و یا اگر دیدند، فراموش می‌کنند و برایشان عمر این دیدن‌ها به اندازه لحظه‌ای پلک‌زدن باشد. هنوز خیلی‌ها همان جمله اخلاقی بزن بره جلو را فراموش نکرده‌اند، هنوز خیلی‌ها درست سر لحظه کانال را عوض می‌کنند و اذان تلویزیون را گوش می‌دهند. نباید از محدودیت و محرومیت خاطره خوش و شیرین ساخت. ویدئو T-seven حالا افتاده است گوشه مغازه مندرسی در سیداسماعیل. آنقدرها به خانواده و جامعه ضربه‌ای نزد. قیمتش ۷هزار تومان است و با ۲۰ فیلم همراهش.

خبر آخر

بلومبرگ و مبارزه ۱۵۰ میلیون دلاری با سیگار

حاشیه سیاست

علی جامی: نیویورکی‌ها می‌توانند از شهردارشان مایکل بلومبرگ- یک سیگاری سابق - متشکر باشند که در حال حاضر در مکان‌های عمومی سیگاری کشیده نمی‌شود. شهردار میلیاردر نیویورک این ممنوعیت را با چنان شدتی به اجرا درآورده است که اغلب سیگاری‌ها و حتی غیرسیگاری‌ها را به خشم آورده است. هنگامی که او در نیویورک بر سیگار مالیات بست، ادعا کرد اهمیتی به ضرر و سود مالی نیویورک به این علت نمی‌دهد، بلکه می‌خواهد از آلوده شدن کودکان به این عادت جلوگیری کند. او حتی خبرنگارانی را که با او روبه‌رو می‌شوند و سیگار می‌کشند، سرزنش می‌کند. اکنون او گام جدیدی در راه این مبارزه برداشته است. سه‌شنبه او اعلام کرد که ۱۲۵ میلیون دلار از دارایی شخصی‌اش را به یک پیکار ضدسیگار اختصاص می‌دهد که هدف آن مبارزه با دخانیات در سراسر جهان است. این پول در طول دو سال به سازمان‌های فعال در این زمینه داده خواهد شد تا صرف اقدامات ضددخانیات شود. بلومبرگ در بیانیه‌اش این کار را یک «سرمایه‌گذاری اجتماعی» خواند. بلومبرگ که یک غول رسانه‌ای هم هست گفت: «براساس تجربه من با اطلاعات بیشتر، مداخلات متمرکزتر بهداشت عمومی و تلاش سیاسی شدیدتر دولت‌ها سیاست‌هایی در این مورد را به مرحله اجرا درخواهند آورد که منافع بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی عمده‌ای به بار خواهد آورد.» پول اهدایی بلومبرگ صرف کمک به برنامه‌هایی می‌شود برای ترک اعتیاد سیگاری‌ها و تعلیم کودکان برای پیشگیری از شروع به سیگار کشیدن و نیز لابی کردن برای ممنوعیت سیگار کشیدن در مکان‌های عمومی و نرخ بالاتر مالیاتی در سایر شهرها.

پرنگ پر کشید

یاد

نشنوی شیون افتادن مهتاب در آب
تا چو یاس از در و دیوار نیاویزی گوش

رضا زندی: شاعر، دیروز در غربت تشییع شد: «تاسف می‌خورم به حال کسانی که داعیه فرهنگ و هنر دارند ولی در این مراسم حضور پیدا نکرده‌اند.» این را مجری مراسم می‌گوید و پیکر «نوذر پرنگ» می‌رود تا بر تخت خاک خانه ابدی هنرمندان، روزگار بگذراند. «نوذر» یک «جزیره گم» بود در شعر پارسی. جزیره‌ای که سال‌ها برای کشفش زمان می‌خواهد. ساحلی داشت به نام غزل، گوشه‌ای دنج از گزیده‌گویی نیمایی و سرسبزی‌هایی از چهارپاره‌ها و ساقی‌نامه: «نوذر یکی از آخرین نمایندگان نئوکلاسیک در غزل معاصر بود و غزل را به تعبیر خودش با گلچرخی رنگین، جلوه و نمای دیگری داد.» سیدعلی موسوی گرمارودی این مقدمه را درباره نوذر می‌گوید تا از وزیر ارشاد طلب گشایش در سفر پسر شاعر برای شرکت در مراسم پدر را کند. «پرنگ» در بیستمین روز آخرین ماه سال ۱۳۱۶ در تهران به دنیا آمد. مبانی زبان‌شناسی، اتیمولوژی، زبان اوستایی و پهلوی را آموخت و همکار مجلاتی نظیر «سخن» و «روشنفکر» در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شد و در اواخر دهه ۳۰ نامش را به «نوذر پرنگ» تغییر داد. نوذر پس از دو دهه در روزگار دهه شصت به ایران بازگشت و اثر دل‌انگیز «فرصت درویشان» را در سال ۱۳۶۵ منتشر کرد. کار دیگر او انتشار مجموعه شعر «آن سوی باد» است. شهرت نوذر ایستادن در کنار درخت زبان کلاسیک غزل و زینت آن با تکنیک‌های ناب و مدرن است. از زیبایی‌های شعر نوذر ادغام جسورانه سبک‌های هندی و عراقی است: «تهمت دیوانگی، بی‌خود به مجنون بسته‌اند/ جز نشان پای ما در کوچه زنجیر نیست» اگرچه برای نوذر پرنگ تا زنده بود مراسم تقدیر به پا کردند اما قدرش آنچنان که باید شناخته نشد. استادی «پرنگ» در شعر معاصر را بی‌تردید فردائیان عرصه عشق بیشتر شاگردی خواهند کرد. چنان که قدر معلم نوذر (حافظ) نیز به قول مدیر مجله هنر موسیقی صد سال پس از خودش در حاشیه دیوان «ساوجی» کشف شد: «رسیده بر لب نوذر دو مصرع رنگین/ زبیت حافظ عالی‌جناب نازک‌تر. رزبعد خواجه که این بنده را حواشی اوست/ کسی نگفته از این شعر ناب نازکتر» در مراسم تشییع پیکر خسته نوذر پرنگ، عمران صلاحی، علیرضا طباطبایی، ولی‌الله درودیان، فاطمه راکعی، سهیل محمودی و... حضور داشتند. خداحافظی با «پیر خورشیدگران، شب‌شکن آینه‌پوش» در روزی که هوای تابستان هم گرفته بود اگر شکوهمند برگزار نشد، تکه‌تکه‌های شعرش در تاروپود تاریخ بشکوه جلوه‌گری خواهد کرد: من خسته‌ام / من در کنار پنجره تنها نشسته‌ام / و با تمام خویش می‌اندیشدم/ هر چیز، هر چه هست/ انسان، سنگ، گربه، یک بوته خار/ دنیای مبهمی است. / دنیای گنگ تیره مرموز ناشناس / دنیا کنار پنجره تنها نشسته است... / ما انسان‌ها / گاهی کنار هم/ سر یک میز شام می‌خوریم / از هر دری سخنی ساز می‌کنیم/ از ماجرای یک شب غمگین / قصه ساز می‌کنیم / آنگاه / شب به خیر فلانی ببینمت...

▲ تشییع جنازه پرنگ در روز چهارشنبه

کنسرت‌های آخر هفته

موسیقی

اجرای ارکستر باکو، خولیو آلمایدا گیتاریست اکوادوری، گروه شاهین علوی و نوریک میساکیان برنامه‌های آخر هفته موسیقی را تشکیل می‌دهند. ارکستر باکو با حضور نوازندگانی از کشور آذربایجان امشب و فرداشب در تالار وحدت به روی صحنه می‌روند و قطعات فولکلور و سنتی این کشور را اجرا می‌کنند. خولیو آلمایدا گیتاریست اکوادوری که به دعوت حوزه هنری به تهران آمده است امشب در تالار اندیشه قطعاتی کلاسیک و فلامنکو را با گیتار خود می‌نوازد. در فرهنگسرای نیاوران ساعت ۱۸/۳۰ کنسرت موسیقی تلفیقی با عنوان سرمه اجرا می‌شود. در این کنسرت شاهین علوی (عود و گیتار)، کاوه وارث (پیانو) و فرهود بیگلربیگی (فلوت ریکوردر) می‌نوازند. به اعتقاد گروه در قطعات مجموعه سرمه سعی بر آن است تا با تلفیقی در بطن موسیقی (جمله‌های ملودی و هارمونی) یک بافت منسجم ایجاد شود تا با استفاده از سازهای عود (ساز زهی زخمه‌ای قدیمی و مربوط به خاورمیانه)، فلوت ریکوردر (ساز بادی مربوط به دوره باروک اروپا) و پیانو (ساز غربی جدید) رنگ‌آمیزی صوتی خاصی با هویت ایرانی حاصل شود. در بخش اول این کنسرت قطعات خلسه، روان، پلکان و پایان با آهنگسازی کاوه وارث و سرمه و یاد با آهنگسازی شاهین علوی اجرا می‌شود و در بخش دوم قطعات گرمای پاییز، راه رفتن روی ابر و سایه آثار شاهین علوی و خون‌باران اثر کاوه وارث اجرا خواهد شد.

«قهوه‌خانه» مرعشی راه افتاد

رسانه

حسین مرعشی سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی سایت شخصی خود را با هدف انتشار یادداشت‌های سیاسی راه‌اندازی کرد. این سایت از روز شنبه با آدرس Marashi.ir قابل دسترسی برای کاربران اینترنتی است. مرعشی که از جمله نمایندگان مجلس ششم بود، در روزی که از مجلس خداحافظی کرد تا ردای معاونت سیدمحمد خاتمی را در سازمان میراث فرهنگی و ایرانگردی بر تن کند، به نمایندگان مجلس قول داد که در آینده و برای دوران بازنشستگی یک «قهوه‌خانه» راه‌اندازی می‌کند تا آنها دقایقی در آن حاضر شوند و یک «چای قندپهلو» نوش کنند. او می‌خندد و می‌گوید: «قهوه‌خانه راه افتاد.» و اشاره می‌کند به قسمتی از این سایت با عنوان «قهوه‌خانه» که قرار است خاطرات او را به همراه مطالب طنزآمیز دیگر در خود جای دهد. سایت Marashi.ir دارای چند بخش است. مهمترین قسمت آن وبلاگی است که حسین مرعشی در آن یادداشت‌های شخصی- سیاسی خود را ذیل عنوان «ورای نظر» می‌نویسد. بخش دیگر با عنوان «در رسانه‌ها» به مصاحبه‌ها و خبرهایی اختصاص دارد که او انجام داده و در رسانه‌ها منتشر شده است. زندگینامه نیز بخش ثابت این سایت است که کارنامه فعالیت‌های سیاسی او را شامل می‌شود.

بازگشت

عکس روز

رضا معطریان

جنگ تمام شده است و لبنانی‌ها به خانه‌شان بازمی‌گردند. حالا باید ذره ذره گذشته را از میان آوار پیدا کنند. حتی اگر این گذشته‌ای لباس‌های فروشگاه این مرد باشد که از باقی مانده مغازه‌اش بیرون می‌کشد.

رئیس‌جمهور سه‌ساله

مهران کرمی: جرالد فورد رئیس‌جمهور سابق آمریکا که در ۹۳ سالگی در بیمارستان بستری شده، سرنوشت خاصی دارد. اینکه یک سیاستمدار در دنیای پرتنش سیاست وارد دهه دهم زندگی شود خود گوشه‌ای از خاص بودن این سرنوشت را می‌رساند. سی و هشتمین رئیس‌جمهور آمریکا یکی از دو رئیس‌جمهور غیرمنتخب تاریخ این کشور است. پیش از او اندرو جانسون در سال ۱۹۶۵ جانشین آبراهام لینکلن شد که پس از به پایان بردن جنگ داخلی آمریکا به قتل رسید. جانشینی جرالد فورد پس از استعفای ریچارد نیکسون محقق شد که در اثر رسوایی واترگیت و افشای ماجرای جاسوسی حزب جمهوریخواه در ستاد انتخاباتی حزب دموکرات، کنگره، از قدرت کناره گرفت. فورد حتی در انتخابات سال ۱۹۷۲ معاون رئیس‌جمهور نبود. معاون نیکسون اسپیرو اندرو بود که در سال ۱۹۷۳ پس از رسوایی واترگیت استعفا کرده بود، اما یک سال طول کشید تا نیکسون هم به این نتیجه برسد. فورد که رهبر اقلیت جمهوریخواه کنگره بود به جای اندرو منصوب شد و یک سال بعد جانشین نیکسون شد تا سه سال باقی مانده دوره دوم ریاست‌جمهوری وی را ادامه دهد. فورد در انتخابات سال ۱۹۷۶ با جیمی کارتر رقابت کرد که پیامدهای هولناک واترگیت مجالی به او نداد تا بتواند شایستگی‌های شخصی‌اش را نشان دهد. علاوه بر آن کارتر هم با شعارهایی مثل توجه به حقوق بشر در سیاست خارجی آمریکا آمده بود که برای مردم آمریکا آن روز فریبنده نشان می‌داد. فورد در دوران سه‌ساله‌اش مجبور بود با کنگره‌ای بسازد که اکثریت آن در دست دموکرات‌ها بود. تنها در ۱۴ ماه اول ریاست‌جمهوری‌اش ۳۹ مصوبه کنگره را وتو کرد و تازه مجبور هم بود چهره مخدوش شده حزب جمهوریخواه را در انظار عمومی ترمیم کند. او نتوانست به چنین هدفی برسد و تنها شکست‌های مفتضحانه کارتر در سیاست خارجی آمریکا بود که این فرصت را به جمهوریخواهان داد تا در سال ۱۹۸۰ یعنی چهار سال بعد دوباره به کاخ سفید برگردند و ۱۲ سال در قدرت جا خوش کنند. پس شاید شما هم حق بدهید که فورد رئیس‌جمهور خوش‌بختی نبود حتی اگر با اعلام پایان جنگ ویتنام، آمریکا را از بزرگ‌ترین باتلاقی که تا آن زمان گرفتارش شده بود نجات داد.

چهره روز

ادامه از صفحه اول

نقطه اوج این مقطع از مسابقه در دقیقه ۶۰ شکل گرفت که فرار پا به توپ معدنچی از سمت چپ و پاس عالی او «در عرض» را رسول خطیبی با یک ضربه پای چپ ناقص به دست‌های دروازه‌بان سوریه زد و یک فرصت صددرصد گلزنی از دست رفت. در این بخش از مسابقه نیز به رغم یکی دو ضدحمله خطرناک سوریه این مدافعان این تیم بودند که بیشترین زحمت را متحمل می‌شدند و منصور در قلب خط دفاعی سوریه دائماً با عنایتی و خطیبی درگیر بود.

وقتی حملات ایران بی‌نتیجه ماند، سرانجام قلعه‌نویی مجبور شد در دقیقه ۶۹ یک تعویض انجام بدهد و جواد کاظمیان را جانشین مهدوی کیا کند که به خودی خود تعویض جالب و عجیبی بود و باعث شد کاپیتانی هم به فکری بازپس داده شود و فقط یک دقیقه بعد معدنچی هم بیرون رفت و جایش را به مبعلی داد.

■ تک گل ایران

سرانجام در دقیقه ۷۲ و در پی این تعویض‌ها، ایران دروازه سوریه را باز کرد تا پاداش برتری خود را بگیرد. در این لحظه در پی یک حمله گروهی در سمت راست و کشیده شدن توپ به پشت ۱۸ قدم سوریه و پاس کوتاه مبعلی در عرض، شوت نکونام از این ناحیه با برخورد به مدافع سوری و تغییر مسیر دادن و عبور از بل هاوس دروازه‌بان حریف بر تور بوسه زد و سرانجام طلسم شکسته شد و ایران صفر- یک پیش افتاد. این به واقع مزد بازی خوب نکونام طی این دیدار بود و کار او را که از بهترین‌های این میدان بود کامل ساخت. اما این پایان کار نبود و در دقیقه ۸۹ سوریه به گل مساوی‌اش رسید. این گل با ضربه سر زاهد چابو و روی یک کرنر بلند و به شکلی شوکه‌کننده به دست آمد و به واقع پیامد روحیه تهاجمی و کارهای رو به جلوی بازیگران سوری در مقاطع پایانی مسابقه و عقب کشیدن بیهوده تیم ما و حاکم شدن فاکتور احتیاط در تیم ایران بود. لحظاتی پیشتر ضربه آزاد عالی ماهرسید هافبک کلیدی سوریه را هم طالب‌لو به شکلی عالی‌تر دفع کرده بود وگرنه سوریه روی همان صحنه به گل مساوی‌اش رسیده بود.

■ کار سخت شد

در دقایق اندک باقی مانده (وقت تلف شده) ایران فشار زیادی به دروازه سوریه آورد، اما معلوم بود که تیم خسته ما قادر به گلزنی مجدد به حریف خود که از نظر روحی هم شارژ شده بود، نیست. به این ترتیب بازی با تساوی یک- یک پایان گرفت تا ایران پس از دو بازی‌اش در گروه دوم قاره چهار امتیاز داشته باشد و این تساوی را ضمیمه پیروزی صفر- چهار بر تایوان کند که اسفندماه سال پیش در تهران به‌دست آمده بود. حال بازی ما با کره جنوبی و سوریه در خاک این حریفان در روزهای ۱۱ و ۱۰ شهریور از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار شده است و باید مراقب باشیم و قدر مسلم اینکه تیم ایران برای کسب نتایج لازم در آنجا باید بسیار هوشیارتر از آنچه دیروز دیدیم، ظاهر شود.

روزنه‌ای گشوده به دود

کرگدن‌نامه

سیدعلی میرفتاح

قبلاً هم گفته بودم که «یاغچی با تو دگر دوستی ما نشود/ بعد اگر شد، شده است، اما حالا نشود» من نمی‌دانم- یعنی من و قلندران نمی‌دانیم- چه هیزم تری به این حسین یاغچی فروخته‌ایم که هر بلایی دلش بخواهد سر این ستون انتهایی می‌آورد. مطلب دیروز کرگدن‌نامه را فقط قهوه‌ای چاپ نکرده بودند وگرنه هر اشتباهی که فکر کنید به زور و ضربی که شده بود در این ستون باریک جا داده بودند. تمام دیالوگ‌ها پس و پیش، پر از غلط و... مسلمان نشنود، کافر مبیناد. اینکه عرض می‌کنم در حکم کایوتی هستم که دلیل بازی در این سریال را نمی‌فهمم، نگویید چرا. دلیلش را از شرکت آکمه که ریاستش را حسین یاغچی تبریزی سقاخانه قندفیسی به عهده دارد بپرسید. من نمی‌دانم این بشر چرا این قدر سر به هوا شده و سرش با کجا دارد پینگ‌پنگ بازی می‌کند که صفحه را به امان خدا رها کرده، به من چه؟ شرق سردبیر دارد و لابد خودشان، حواس‌شان بهتر از من جمع است. ما برویم دنبال باز کردن نامه‌های خودمان.

■ خواهرم، جاهده دریایی از گیلان- آستانه اشرفیه

بی‌شک تو از نقطه‌ای در بهشت با ما سخن می‌گویی و هرگز مفهوم دوزخ پایتخت برایت ملموس نیست و طعم زقوم آن را نچشیده‌ای که از گرمای آستانه شکایت می‌کنی. اگرچه گرمای شمال بابت شرجی بودن هوا تحمل‌ناپذیر است، اما آن گرما، هیچ دخلی به فصل مرگ ما، در تهران ندارد. آنجا را با یک بادبزن یا پنکه و دست‌بالا با یک کولرگازی می‌شود به شرایط انسانی برگرداند، اما این شهر دودگرفته زوج و فرد را با اتاقک اکسیژن هم نمی‌شود قابل تنفس کرد... بگذریم. بنده واقعاً از اینکه چنین استنباط می‌شود که روحیه زن‌ستیزی- خدایی نکرده- یا ضدزنی- استغفرالله- و به قول امروزی‌ها آنتی فمینیستی دارم، بسیار شرمنده و معذبم و باور کنید اصلاً نمی‌دانم، کی و کجا و چه نوشته‌ام که مرا به این صفات رذیله نسبت می‌دهند. فرمود «زن از نخست بود رکن خانه هستی/ که ساخت خانه بی‌پای‌بست و بی‌بنیان» و مطابق همین سند، حقیر، غالباً این قدرم عقل و کفایت هست که به رکن خانه هستی تعرض نکنم. چیزی که شما درباره زنان پرکار و نستوه گیلان در بخش کشاورزی و دیگر امور فرموده‌اید، کاملاً درست است و من در سرزمین پهناور خویش، بسیار زنان باکفایتی دیده‌ام که نه تنها از مردان بیشتر کار می‌کنند، بلکه اداره زندگی را یک‌تنه بر دوش می‌کشند. زنان ایلات، زنان دام‌دار، زنان کشاورز، زنان قالیباف و... البته در تهران و بعضی شهرها، اوضاع کمی متفاوت است، اما این تفاوت خاص زنان نیست. مردان هم به میزان پایتخت‌نشینی تنبل، اهل تجمل، اهل حرف، اهل غیبت و پرمدعایی هستند. گفته‌ای که من و امثال من تهرانی می‌اندیشیم و تهرانی نگاه می‌کنیم. نکته جالبی است که به آن اشاره کرده‌ای، اما حقیقت آن است که این تهران، صرف یک جغرافیای زشت وسعت پیدا کرده که نیست، یک فرهنگ و یک روش زندگی است که حتی در دورافتاده‌ترین روستای مرزی نیز نفوذ کرده و دارد همه‌چیز و همه‌کس را تغییر می‌دهد. پس کمی حق بده که ما از همین روزنه گشوده به دود به دور و برمان نگاه کنیم. نامه دومی هم فرستاده‌ای که محدودیت جا نمی‌گذارد پاسخت را بدهم. یکی، دو هفته دیگر به آن نیز خواهم پرداخت.

■ خواهرم زهره حقیقت از خنج فارس

خوشحالم که می‌بینم نامه دومت هم رسیده است. شما هم که شکایت از گرما و جهنم تابستان داری. خدا را شکر که پاییز زودرس در راه است. در تهران که برگ‌ها رو به زردی و خشکی نهاده‌اند. دم غروب اندکی نسیم خشک هم وزیدن می‌گیرد و یحتمل به زودی باد خنک از جانب خوارزم وزان خواهد شد. تابستان اگرچه فصل مرگ ما است، اما باز جای شکرش باقی است هر چقدر هم سخت باشد، دیر یا زود سپری می‌شود و پاییز سر می‌رسد و افسانه‌های پاییزی آغاز می‌شوند. خدا کند که همه بلایا و مصیبت‌ها جاودان و ابدی نباشد. چیزی که درباره قوه تخیل و داستان‌پردازی و فیلمنامه‌نویسی نوشتی مرا یاد گفته‌ای از آلفرد هیچکاک- در گفت‌وگو با ترووفو- انداخت. هیچکاک می‌گوید که «من بسیاری شب‌ها در خواب یا در خواب و بیداری، بسیاری از قصه‌های ناب و ایده‌های عالی به مغزم خطور می‌کرد که متاسفانه صبح که از خواب بیدار می‌شدم، می‌دیدم که هیچ‌کدام به یادم نمانده و همه را فراموش کرده‌ام. بالاخره به این صرافت افتادم که قلم و کاغذی بالای سرم بگذارم و ایده‌ها و قصه‌ها را یادداشت کنم. فردای صبحی که یادداشت‌ها را خواندم، دیدم چه ایده‌ها و قصه‌های معمولی و پیش‌پا افتاده‌ای...» البته به ایده‌ها و تخیلات جنابعالی جسارت نمی‌کنم، اما از خاصیت‌های نیمه شب است. حال آنکه اصل ماجرا این طور نیست. به هر حال توصیه بنده شرمنده این است که اولاً هرچه به فکرتان می‌رسد را فی‌الفور یادداشت بفرمایید و ثانیاً در ساعت‌های دیگر روز به سراغ این یادداشت‌ها بروید و ببینید آیا هنوز جذابیتی دارند. برای فیلمنامه نوشتن هم کتاب‌های بسیار خوبی در بازار کتاب موجود است که می‌توانید آنها را پیدا کنید و بخوانید، اما یکی از بهترین شان «فیلمنامه‌نویسی در ۲۱ روز» است که اگر اشتباه نکنم، سید فیلد آن را نوشته و عباس اکبری ترجمه‌اش کرده. این کتاب به ما یاد می‌دهد که چطوری انرژی‌ها و توانمان را در خدمت فیلمنامه قرار بدهیم. نامه‌های دیگری هم هست که چون مجبور شدیم در ابتدای ستون حسین یاغچی را بشوییم در آفتاب رو بنشانیم، مجال پاسخگویی را کوتاه کردیم. پس بد و بیراهتان را به او بگویید نه به من. که زیاده خسارت است و ایام به کام.

mirfattah@yahoo.com

شرق
نیازمندیهای
۲۲۰۱۴۰۱۰
انتخاب اول